

مقاله حاضر به روش کیفی و با هدف بررسی چگونگی تفسیر مردم منطقه مرزی مریوان در خصوص تغییرات در حوزه نظام خانواده به تأثر از پدیده تجارت مرزی صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق به کمک تکنیک مصاحبه عمیق، مشاهده مشارکتی و اسناد و مدارک گردآوری گشته‌اند و برای تحلیل داده‌ها نیز روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. با کمک روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند با ۲۸ نفر از مطلعین کلیدی مصاحبه شده تا اشباع نظری حاصل گردد. داده‌های گردآوری شده در قالب ۳۸ مفهوم اساسی، ۵ مقوله عمده و نهایتاً یک مقوله هسته کدگذاری و تحلیل شده‌اند. ۵ مقوله عمده عبارت‌اند از: رشد مخرب و ناموزون اقتصاد منطقه، گسست پیوندهای خانوادگی، استحاله ارزش‌های وفاداری، زوال آمریت نهادین و نمادین والدین و لغزش بنیان‌های خانواده. مقوله هسته نیز که دیگر مقولات کلی را شامل می‌شود مقوله «جهان‌زیست شکننده» نهاد خانواده است. توأمان سعی شده است تا از وضعیت برساخت شده نهاد خانواده، تبیینی انتقادی نیز ارائه گردد.

■ واژگان کلیدی:

تجارت مرزی، تغییرات خانواده، جهان‌زیست، شهرستان مریوان، نظریه زمینه‌ای

تجارت مرزی و تفسیر مردم از تغییرات جهان‌زیست خانواده

امید قادرزاده

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان
ogh1355@gmail.com

احمد محمدپور

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان
a.mohammadpur@gmail.com

امید قادری

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان
omidghaderi1@gmail.com

طرح مسئله

خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی و قدیمی‌ترین و کوچک‌ترین واحد بنیادی جامعه، شالوده حیات اجتماعی نیز هست. این نهاد از دیرباز، سوای وظیفه استمرار نسل‌ها و بقاء نوع بشر، وظایف و نقش‌های متعدد دیگری همچون: فعالیت اقتصادی، آموزش و پرورش و اجتماعی کردن فرد را نیز عهده‌دار بوده است. نهاد خانواده یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعه و پژوهش در علوم انسانی و رفتاری، به‌ویژه پژوهش‌های جامعه‌شناختی و مطالعات اجتماعی است که به‌مثابه واقعیتی اساسی دارای سیر تاریخی و دگرگونی‌های متنوعی در ارتباط با پیرامون خودش می‌باشد و با روش علمی قابل پژوهش و مطالعه است. معمولاً در پژوهش‌های جامعه‌شناختی و جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، روند و علل تغییرات نهاد خانواده، مسائل و مشکلات متفاوت خانواده‌ها از قبیل: تعهد و دوام خانواده، خشونت، خیانت، طلاق، بچه‌های طلاق، اعتیاد در خانواده، تربیت فرزندان، معیشت و ازدواج فرزندان و غیره، به‌ویژه در جوامع در حال توسعه از اهمیت معرفت‌شناختی و اجتماعی بالایی برخوردار است. کارکردهای ویژه و حیاتی نهاد خانواده (تنظیم رفتار جنسی، جایگزین کردن اعضا، جامعه‌پذیری، مراقبت و نگهداری، تعیین جایگاه اجتماعی، حمایت عاطفی و غیره) جایگاه برتری به اهمیت مطالعه هر چه دقیق‌تر آن بخشده است. علاوه بر مسئله اختلالات کارکردی خانواده‌ها، آنچه که امروزه جزء اساسی‌ترین دغدغه‌ها و موضوعات مورد بررسی متفکران اجتماعی در جوامع در حال گذار به‌شمار می‌رود، تغییرات عمده و سریع نهاد خانواده است که در نتیجه تغییرات سریع و برون‌زای دنیای مدرن تا حد زوال و فروپاشی آن نهاد محسوس و بحث می‌شود.

موقعیت ژئوپولیتیکی ایران، تأثیرپذیری از امواج برون‌زای تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را دوچندان نموده است. ایران، هم‌اکنون با ۸۰۰۰ کیلومتر خط مرزی با کشورهای همسایه دارای ۱۶ استان مرزی است که حدود ۵۰ درصد از مساحت آن را شامل می‌شود و این استان‌ها حدود ۴۹ درصد از جمعیت کل کشور را در خود جای داده که به‌لحاظ زبانی، قومی و مذهبی با کشورهای همجوار دارای قرابت‌های بیشتری هستند تا با نقاط مرکزی کشور. شهرستان مریوان با ۲۲۵۹/۵ کیلومتر مربع مساحت، در ۱۲۵ کیلومتری شمال‌غربی سنندج، در استان کردستان، حدود ۱۱۰ کیلومتر با استان کردنشین سلیمانیه عراق مرز مشترک دارد و براساس آمار سرشماری سال ۱۳۹۰ کل جمعیت آن ۱۶۶۹۵۰ نفر است که از این تعداد، ۸۴۴۵۲ نفر را مردان و ۸۲۴۹۸ نفر را

زنان تشکیل می‌دهند و ۱۲۰۹۹۶ نفر در شهر و ۴۵۹۵۴ نفر در مناطق روستایی ساکن هستند (سایت استانداری کردستان و فرمانداری مریوان). در فاصله ۱۶ کیلومتری غرب این شهرستان مرز باشماق^۱ واقع است که در حال حاضر تمامی فعالیت‌های یک مرز رسمی و تجارت مرزی رسمی در آن جریان دارد. شهرستان مریوان تا سال‌های قبل از انقلاب ۱۳۵۷، مناسبات همه‌جانبه اندک ولی مستمری با شهرهای همسایه داخلی و خارجی‌اش داشته، معیشت مردم این منطقه مبتنی بر کشاورزی و دامداری بوده، از لحاظ عقاید مذهبی منسجم، وضعیت رفاه مردم به‌جز قشر خوانین (آن‌ها با اندکی تفاوت) هم‌سطح بوده و تغییرات فرهنگی در آن موجود، اما بسیار نامحسوس بوده است. امروزه، در این منطقه سیاست‌گذاری‌های مختلف ملی و شرایط به‌خصوص منطقه‌ای و ویژگی‌های مختلف اکولوژیکی، فرهنگی، زبانی، مذهبی و غیره و همچنین تحولات منتج از مدرنیزاسیون در منطقه به‌وضوح حضور دارند. این منظومه عوامل و شرایط به‌تعملاتی منحصربه‌فرد در میان نهادهای اجتماعی گوناگون دامن زده است. نهاد خانواده یکی از این جنبه‌های بسیار مهمی است که در قیاس با زمان‌های گذشته تغییرات ملموس فراوانی را در خود به‌نمایش می‌گذارد. یقیناً، بررسی جامعه‌شناختی نهاد خانواده و تغییرات صورت گرفته در این نهاد از اهمیت خاصی برخوردار است اما در این مقاله سعی بر این است که بر اساس درک و تفسیر افراد آن جامعه، به بازسازی معنایی تغییرات صورت‌گرفته در نهاد خانواده در این محیط پرداخته شود. به‌عبارت دیگر، این پژوهش در نظر دارد تا تغییرات صورت‌گرفته در حوزه نظام خانواده را به تاسی از تجارت مرزی و بر اساس درک و تفسیر مردم منطقه از این تغییرات مطالعه نماید.

پیشینه مطالعه

خانواده هسته اولیه جامعه و مبدأ تشکیل سازمان‌های اجتماعی می‌باشد. به‌زعم مالینوفسکی^۲، خانواده و طایفه مقارن یکدیگر وجود داشته و این مقتضیات جامعه بود که معلوم می‌کرد کدامیک بر دیگری برتری و اهمیت بیشتری دارد. به‌نظر دورکیم^۳ پیدایش خانواده و تطور تدریجی آن به‌موازات تحول اجتماعی و تکامل انسان انجام گرفته و ادامه دارد (مزاری، ۱۳۹۰). با توجه به اهمیت نهاد خانواده و علیرغم قدمت تأسیس بازارچه‌های

1. Bashmaq
2. Malinofski
3. Durkheim

مرزی و تغییرات اقتصادی در ایران و ارتباط تنگاتنگ دو نهاد اقتصاد و خانواده، تحقیقاتی را که به‌طور مستقیم در این‌باره صورت گرفته باشند، اندک‌اند. کارهای انجام گرفته نیز اکثراً به بعد اقتصادی بازارچه‌ها (نورمحمدی، ۱۳۷۱)، تأثیر بازارچه‌ها بر اقتصاد مناطق مرزی (رازینی و باستانی، ۱۳۷۵؛ پیربوداکی، ۱۳۷۹؛ عبدی، ۱۳۸۷ و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۶)، جنبه‌های آمایش سرزمینی و توسعه فضایی مناطق مرزی (فخر فاطمی، ۱۳۸۳ و رحیمی، ۱۳۸۲) متمرکز بوده است. پژوهش مرتبط با موضوع مقاله حاضر عبارت است از: «عوامل پیش‌بینی‌کننده گرایش زوجین به طلاق در مناطق مرزی» که توسط قادرزاده و دیگران (۱۳۹۱) با روش پیمایش به‌انجام رسیده است. بر مبنای نتایج توصیفی، با وجود شناخت بالای زوجین از هزینه‌ها و عواقب طلاق در جامعه، گرایش متوسطی نسبت به طلاق در ابعاد عاطفی و رفتاری آن در شهر مرزی بانه وجود دارد. بر مبنای نتایج تبیینی، مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده گرایش به طلاق، متغیر نابسامانی اجتماعی بوده است که خود متأثر از تغییرات ارزشی و محیطی (رشد تجارت مرزی و اقتصاد غیررسمی، تغییرات شدید در وضع اقتصادی منطقه، افزایش نامتعارف حجم سرمایه اقتصادی در میان بخشی از مردمان این منطقه) می‌باشد. این مسئله نشان از آسیب‌پذیری بالای قانون خانواده، کم‌بها شدن خانواده و ارزش‌های خانوادگی در مناطق مرزی دارد که در سطوح کلان می‌تواند تزلزل اجتماعی را در اجتماع دامن زند. دیگر پژوهش مرتبط عبارت است از: «سنت، نوسازی و خانواده» که توسط «محمدپور و دیگران» (۱۳۸۸) انجام گرفته و در آن با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی همزمان زاویه‌بندی شده، تغییرات و تداوم خانواده در اجتماعات ایلی با تأثیر از فرایند و پیامدهای مدرنیزاسیون در میان ایلات منگور^۱ و گورک^۲ بررسی شده است. بر مبنای یافته‌های تحقیق خانواده در بین ایلات مذکور هم از نظر ساختاری کارکردی و هم از نظر معنایی تفسیری در معرض تغییر بوده است و سه مؤلفه نوسازی (شهرنشینی، آموزش مدرن و رسانه‌های ارتباطی) بر افول ابعاد سنتی خانواده و پیدایش شکل مدرن آن مؤثر بوده است. از منظر مصاحبه‌شوندگان، با وجود بالارفتن سطح استاندارد زندگی، احترام به والدین و بزرگسالان و نیز روابط خویشاوندی در نزد خانواده‌های منطقه کاهش یافته است.

به‌رحال با نگاهی هرچند گذرا می‌توان جای خالی مقوله تغییرات خانواده به تأثیر

1. Mangur

2. Gawrk

از تغییرات بعد اقتصادی جامعه، بویژه بعد تجارت مرزی را در این پژوهش‌ها مشاهده نمود. لذا با توجه به اهمیت هر دو مقوله خانواده و تجارت مرزی و تعامل و تأثیرات آنها بر همدیگر، انجام مطالعه حاضر ضروری و قابل توجیه است.

روش‌شناسی مطالعه

تحقیق حاضر در چارچوب روش‌شناسی کیفی و به صورت ترکیبی از روش مردم‌نگاری انتقادی^۱ و نظریه زمینه‌ای^۲ اجرا و تحلیل شده است. داده‌ها با کمک تکنیک مصاحبه عمیق، مشاهده مشارکتی و اسنادی به جهت بازسازی معنایی رفتارها و کنش‌های کنش‌گران در خصوص تغییرات نهاد خانواده در منطقه مرزی مریوان جمع‌آوری شده است. هدف نهایی نیز دستیابی به مدلی نظری، با کمک «تفسیر تفسیرهای» کنش‌گران می‌باشد. تحقیق‌های مردم‌نگارانه انتقادی به صورت کارهایی میدانی و با روحیه طبیعی‌گرایانه^۳ و بسترمند^۴ در یک پیوستار امیک پدیده‌ها را در بستر طبیعی‌شان مطالعه نموده و محقق با زاندیش به ارائه توصیفی ضخیم^۵ از موضوع مورد مطالعه و جوانب مختلف آن اقدام می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۱۵). پژوهش انتقادی دارای دیدگاهی انتقادی و حمایت‌گرایانه نیز هست که جهت توانمندسازی مردم برای چالش با شرایط سلطه‌گر (کراسول، ۱۹۹۸: ۳۷ و ایمان، ۱۳۸۸: ۳۱۶)، به شرایط نابرابر اجتماع که به خاطر نظامی از قدرت، منزلت، امتیاز و اقتدار موجب حاشیه‌ای شدن افراد، طبقات، قومیت و جنسیت‌های مختلفی شده‌اند، می‌تازد. نظریه زمینه‌ای نیز روش‌شناسی ویژه‌ای است مبتنی بر بنیان‌های تفسیری برساختی و با هدف نظریه‌سازی از داده‌ها و جهت تولید معرفت متقن و باورپذیر توسط بارنی گلاسر^۶ و آنزلم اشتراوس^۷ در سال ۱۹۶۷ ایجاد و بسط یافته است. هدف نظریه زمینه‌ای نیز کاوش در فرایندهای اجتماعی و تعاملی در حال ساخته شدن و روزمره توسط عامل‌های اجتماعی است.

1. Critical Ethnography
2. Grounded Theory
3. Naturalism
4. Contextual
5. Thick Description
6. Barney Glaser
7. Anselm Strauss

میدان مورد مطالعه، شهرستان مریوان است که به صورت نمونه گیری نظری^۱ هدفمند^۲ و رعایت معیار اشباع نظری^۳، حدود ۲۸ نمونه از مطلعین کلیدی^۴ مورد مصاحبه عمیق قرار گرفته‌اند. علاوه بر دروازه بانان خبری^۵ از اسناد و داده‌های اداره‌های مرتبط همانند بهزیستی، شبکه بهداشت و درمان و ثبت احوال نیز بهره گرفته شده است. داده‌های به دست آمده را که متون مکتوب مصاحبه‌ها و یا اسناد هستند نیز با استفاده از تحلیل‌های متوالی^۶ و کدگذاری تفسیر نموده‌ایم تا به تحلیل پیامدهای ظهور پدیده رسیده‌ایم. نهایتاً اینکه سعی شده است تا با بازسازی ساختارهای معنای عینی موضوع، بتوان به ساختار پنهان معنای آن دست یافت (مروستی، ۲۰۰۴: ۳۸) و این امر در قالب مدل نظری ویژه‌ای ترسیم و به نمایش در آمده است.

۶۶

چارچوب مفهومی

در پژوهش‌ها و مطالعات کیفی، نظریه‌ها نقشی الهام‌بخش و مکمل‌گونه دارد و برای ایجاد حساسیت نظری مفهومی جهت کمک به باز بودن ذهن محقق نسبت به مسائل و مقوله‌های مورد پژوهش، تدوین سؤالات عمومی و هم‌چنین تدوین چارچوب مفهومی تحقیق به کار می‌رود (محمدپور، ۱۳۸۸: ۳۱۴-۳۱۱). پارادایم انتقادی^۷ نیز با هستی‌شناسی واقع‌گرایی تاریخی خودش، ضمن تأکید بر درک پذیر بودن واقعیت‌ها، تاریخی و بستمند بودن آنها را نیز تأیید نموده و معرفت را ماحصل تعامل محقق و سوژه مورد تحقیق بیان می‌کند و اگرچه واقعیت‌های اجتماعی را به گونه‌ای در نظر می‌گیرد که در خلال زمان و تحت تأثیر عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، قومی و جنسیتی شکل گرفته‌اند، اما معتقد است که شرایط و ساختارهای محدودکننده‌ای^۸ وجود دارند که به درک نادرست و بیراهه رفتن واقعیت‌ها و تصنعی بودن آنها می‌انجامند. در این پارادایم واقعیت‌ها چندلایه در نظر گرفته می‌شوند و سطح ظاهری واقعیت‌ها بازنگار بی‌نقص سطوح زیرین آنها نمی‌تواند باشد، نظریه‌ها یا تبیین‌های انتقادی معتبر آنهایی‌اند که پراکسیس اجتماعی به دنبال داشته و بینش‌های

1. Theoretical Sampling
2. Purposive
3. Theoretical Saturation
4. Key Informants
5. News Gate keeper
6. Sequential Analysis
7. Critical Paradigm
8. Cramping

راستین در بستر زندگی عملی انسان‌ها به وجود آورند و تبیین‌های انتقادی آگاهی‌بخش و رهایی‌بخشی باشند که در عین انتقادی بودن، به توضیح چرایی وقوع رویدادها و وقایع اجتماعی اقدام کرده و به افشاء اسطوره‌ها و شرایط زیرین واقعیت‌ها و تناقض‌ها بپردازند. بر اساس چارچوب مفهومی حاکم در تحقیق حاضر، نظام خانواده به مثابه واقعیتی اجتماعی و برساختی دارای تاریخ، رویه، اشکال و تغییرات متفاوتی است که به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم در خلال زمان، تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره قرار داشته و از سطوح و ابعاد عینی متفاوتی برخوردار است و از جنبه‌های گوناگونی با دیگر نهادها و خرده‌نظام‌های جامعه، از قبیل خرده‌نظام اقتصاد، در تعامل و کنش متقابل است. تجارت مرزی در ابعاد رسمی و غیررسمی آن، در ارتباط با نهاد خانواده در شهرستان مریوان به گونه‌ای عمل نموده است که در سال‌های اخیر، به‌ویژه از ۱۳۷۱ به بعد، این تصور را برساخت نموده که خانواده به تأثر از تجارت مرزی دگرگونی‌های شدیدی را متحمل گشته است. همچنین، مجموعه مناسباتی از دانش و قدرت‌طوری درهم‌تنیده‌اند که مجموعه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قومی، جنسیتی، زبانی سلطه‌طلبی را در حول نهاد خانواده در جامعه مریوان برپا ساخته‌اند که در جهت زوال کرامت افراد و خانواده‌ها سیر می‌کند و معرفت عامه یا عقل سلیم^۱ نیز مدام از جانب این مناسبات سلطه‌گر و ابهام‌انگیز مخدوش می‌شوند. وضعیت اقتصادی منطقه مریوان به‌خاطر پدیده تجارت مرزی برای نظام خانواده، از جمله ساختارهایی است که به گونه‌ای تحدیدگر و سلطه‌طلب عمل می‌نماید، هرچند که از برخی جنبه‌ها به بدیهی بودن وضعیت خانواده یا دیگر نهادهای اجتماعی منطقه مریوان دامن زده است. لذا رسالت روش‌شناسی تحقیق و محقق ایجاب می‌نماید تا معرفتی انتقادی و افشاگر بر علیه ساختارهای نابرابر و سلطه‌جو بسط یابد تا بدین شیوه بتوان نظام خانواده و افراد عادی جامعه مریوان را به روشنفکرانی دگرگون‌ساز مبدل نموده و به افشاگری در خصوص سطوح و جنبه‌های کاذب و استثمارگر ساختاری همانند نظام اقتصادی حاکم در مریوان به‌ویژه اقتصاد ناشی از تجارت مرزی در مریوان دست زنند، حتی اگر در سطح کوچک و اندک خانواده خودشان باشد.

یافته‌ها و داده‌ها

بر اساس درک و تفسیر مردم، تجارت مرزی به‌مثابه اصلی‌ترین منبع معیشتی مردم منطقه از اساسی‌ترین عواملی بوده که توانسته است از مجاری مختلف و با شدتی نایکسان، تغییراتی را در جامعه به‌ویژه در بعد اقتصادی خانواده‌های مریوانی دامن بزند. تجارت مرزی در شهرستان مریوان به طرق مستقیم و غیرمستقیم به رفاه اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی مردم منطقه انجامیده است، اما این تأثیرات بالنسبه مفید اقتصادی از دید مردم از توزیع و شدت نامساوی و نابرابرانه‌ای برخوردار بوده است و همین موضوع باعث شده است تا جامعه مریوان از جوانب مختلفی وضعیتی ناموزون به خود بگیرد. ملقمه^۱ یا پیکره وضعیتی موقعیتی ناموزون بر ساخته شده از تفاوت‌های همه‌جانبه هستی‌شناختی و معرفتی تا معیشتی میان روستا و شهر، به‌گونه‌ای است که از دید کنش‌گران جامعه مورد مطالعه، علاوه بر تأثیر عامل تجارت مرزی، عوامل و دلایل دیگری نیز همچون تکنولوژی‌های جدید ارتباطی که به میانجی مرز در دسترس عموم افراد و خانواده‌ها می‌باشد در ظهور شرایط حاکم بر این منطقه دخیل بوده است. به‌هرحال، پدیده تجارت مرزی و عامل جاذبه‌های شهری و دافعه‌های روستایی و همچنین ورود و حضور تکنولوژی‌های ارتباطی و عرصه‌های اساسی بازنمایی^۲ خویشتن یعنی خیابان و بازار همگی جریانی ویژه و تعاملاتی به‌خصوص را از جانب کنش‌گران آن جامعه به‌دنبال داشته‌است. تفسیر افراد مورد مطالعه نیز در خصوص جایگاه، وضعیت و آینده نهاد خانواده در این جامعه به‌گونه‌ای است که می‌توان آن را به‌مثابه ملقمه و وضعیتی پروبلماتیک قلمداد کرد که نهاد خانواده در مریوان در آن به‌سر می‌برد و در لفافه‌ای از ابهام و آکنده از هراس تداوم دارد و تعاملات مرتبط با نهاد خانواده در این وضعیت و بستر مسئله‌مند به‌گونه‌ای است که بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان آنها را در ۳۸ مفهوم، ۵ مقوله عمده کدبندی نمود. همان‌طور که در جدول شماره ۱ نشان داده شده است، این مقولات عبارت‌اند از: رشد مخرب و ناموزون اقتصاد منطقه، بحران پیوندهای خانوادگی، بحران ارزشی خانواده‌ها، زوال آمریت نهادین و نمادین والدین، لغزش بنیان‌های خانواده. مقوله هسته‌ای که بتواند ۵ مقوله فوق را در بر گیرد، هراسی است که مردم به‌خاطر آینده مبهم خانواده‌ها و مشکلات و بحران‌های کنونی نهاد خانواده در مریوان احساس می‌کنند.

جدول ۱: جدول مفاهیم و مقولات تغییرات نظام خانواده در شهرستان مریوان

ردیف	مفاهیم	مقوله عمده	مقوله هسته
۱	شغل کاذب، بازارها و پاساژها، امکانات تفریحی خصوصی و نابرابر، روحیه پول جویی سیری ناپذیر، آپارتمان و ساختمان‌های چندطبقه و مجلل در کنار خانه‌های فقیرانه بسیار، ماشین‌های مدل بالا، رشد قیمت زمین و خانه، طبقات مرفه و فقیر، شکاف شهر و روستا، فرهنگ تن‌آسایی، حاشیه‌نشینی بی رویه	رشد مخرب و ناموزون اقتصاد منطقه	جهان زیست شکننده
۲	کاهش صمیمیت، کاهش رابطه فیزیکی خانواده‌ها، کاهش احترام بزرگ‌ترها، کاهش اندازه خانواده‌ها، روابط ابزاری، مصلحت‌گرایی‌های خودخواهانه	گسست پیوندهای خانوادگی	
۳	تضعیف ارزش‌های دینی حامی ازدواج و خانواده، زوال اخلاقیات و شرم و حیا، شکست قبح اجتماعی طلاق، غلبه ارزش‌های مادی بر اعتماد افراد، رواج فیلم و اندیشه‌های بنیان‌افکن در خصوص خانواده، کاهش تعهد خانوادگی، فساد اخلاقی، خیانت جنسی، قتل‌های ناموسی، ازدواج‌های مکرر	ارزش‌های وفاداری	
۴	بهبود قدرت اقتصادی زنان، ارتقای قدرت اقتصادی فرزندان، مشغله زمانی و اقتصادی سرپرستان خانواده، اختلال و ضعف بنیان تربیتی، سست شدن هنجارهای مذهبی خانواده	زوال آمریت نهادین و نمادین والدین	
۵	مدگرایی مفرط، ظاهرپرستی جوانان، ملاک‌های ظاهری انتخاب همسر، ازدواج زودرس، احساسی بودن آشنایی‌های افراد، بی‌برنامگی و بی‌هدفی در انتخاب و ادامه مسیر زندگی	لغزش بنیان‌های خانواده	

رشد مخرب و ناموزون اقتصاد منطقه

رشد کمی وضعیت اقتصاد خانواده‌ها در منطقه مریوان واقعیتی است که به‌لحاظ ظاهری و از روی مؤلفه‌هایی همچون بافت و مصالح معماری خانه‌ها، شیوه پوشاک و ظاهر افراد، وسایل آشپزخانه و مبلمان و دکوراسیون داخلی خانه‌ها، مغازه‌ها و اجناس موجود در سوپر مارکت‌ها و بازار و مجتمع‌های تجاری و تعداد بانک‌ها و پاساژها در شهر مریوان قابل رؤیت و امری مسلم است. رشد برخورداری مادی منطقه و دسترسی به تکنولوژی‌های نوین ارتباطی نظیر ماهواره، اینترنت و تلفن همراه در سطوح زیرین جریان‌ها و پدیده‌های جدیدی را به همراه داشته است. البته رشد ناموزون اقتصادی در منطقه نمی‌تواند به‌تنهایی برآمده از فعالیت‌های تجارت مرزی در منطقه در نظر گرفته شود و در بر ساخت شدن این شرایط اجتماعی علاوه بر تجارت مرزی، امواج نوسازی و سیاست‌گذاری‌های ملی و فراملی در تشدید موضوع دخالت داشته‌اند. «علی» در تأیید نقش تجارت مرزی در تغییرات

اقتصادی و توأم گشتن این مقوله با دسترسی به رسانه‌های نوین ارتباطی، به‌مثابه یکی از مظاهر مدرنیزاسیون، این‌گونه می‌گوید: «اگر مرز و فعالیت‌های تجارت مرزی در میوان نمی‌بود و مردم آن همه پول را از مرز به‌دست نمی‌آوردند، حتی اگر ماهواره هم یک عالمه تبلیغ می‌کرد، مردم پول نمی‌داشتند تا بروند چیزی بخرند یا مدی بزنند و خودشان را با ماهواره تطبیق دهند. اما در این چند سال گذشته اگر هر بچه‌ای هم به مرز می‌رفت می‌توانست به اندازه لازم و فراتر از نیازش پول به‌دست بیاورد و ...».

رشد ناموزون وضعیت اقتصادی، به خاطر ناعادلانه بودن توزیع درآمدهای تجارت مرزی در منطقه، به تشدید تضاد طبقاتی انجامیده است و دو طیف «مرفه ثروتمند» و «فقیر» با فاصله زیاد اقتصادی را در منطقه شکل داده است. عمده درآمدهای اقتصادی ناشی از تجارت مرزی در ابعاد رسمی و غیررسمی (قاچاق) آن عاید تعدادی بالنسبه اندک از مردم منطقه، به‌ویژه آنهایی که از قبل دارای برخورداری اقتصادی بالایی بوده‌اند، گشته است. این طبقه ثروتمند جدید بنابر شرایط ساختاری منطقه و فرصت‌های تجارتي پیش‌آمده صرفاً به انباشت سرمایه‌های هنگفت اقدام نموده‌اند و فاقد چیزی به‌نام دانش اقتصادی هستند که از قابلیت تبدیل سرمایه‌ای ویژه به‌نوعی دیگر از سرمایه برخوردار باشند و آنان صرفاً حریص به انباشت بیش از پیش ثروت به هر نحو ممکن، هستند. طبقه فقیر جامعه نیز فقط به کارهای دون‌پایه و شغل‌های جانبی و خدماتی و کاذب (از قبیل: کولبری^۱، دست‌فروشی، رانندگی، کارگری، باغبانی و غیره) مشغول‌اند تا به امرار معاش و گذران زندگی روزمره بپردازند. البته ناگفته نماند که به‌خاطر تشدید مبادلات و تزریق انبوه پول به جامعه میوان مقدار درآمدهای این افراد به نسبت دوره‌های قبل، رشد چشمگیری داشته است اما قیاس درآمدهای ثروتمندان و فقیرها از منبع تجارت مرزی در این شهرستان غیرمنطقی است. «مجید» نابرابری‌های توزیع اقتصادی و درآمدی مردم منطقه و تغییرات منزلتی و موقعیتی خانواده‌ها را این‌گونه تشریح می‌نماید: «والله، از لحاظ اقتصادی مرز و تجارت مرزی در میوان باعث نابودی برخی خانواده‌های میروانی و سر برآوردن قارچ‌گونه بعضی خانواده‌های دیگر شده است. اصلاً مرز باعث شده تا جماعتی خیلی زیاد به بیراهه و نابودی بروند و عده‌ای تازه به دوران رسیده مثل زالو عده‌ای بدبخت را استثمار کنند و هر طور که خودشان می‌خواهند به کارگرا کار و

۱. کولبری پدیده‌ای است که به جایابی بارها (اجناس) در منطقه مرزی توسط افراد کولبر به‌وسیله پشت و در قبال مزد و اجرتی از جانب صاحب بار انجام می‌گیرد.

جنس و بار بدهند و خودشان پیشرفت مادی کنند و فقرا هم بدبخت تر شوند. یک عده قلیلی هم طبقه متوسط هستند که اکثراً کارمندند و راضی به حقوق ماهانه هستند. فکر می‌کنم مرز در مریوان، هیچی که فایده نداشته بلکه ضرر اساسی هم برای مردم منطقه داشته و اگر منطقه ما به جای مرز چهار کارخانه تولیدی می‌داشت دیگر کارهای کاذب و زودگذر و موقتی نمی‌بود و مردم خوب می‌توانستند برای زندگی‌شان برنامه‌ریزی کنند و بچه‌ها و زن و زندگی‌شان را تربیت و اداره کنند و امنیت شغلی و مالی می‌داشتند و عدم آسایش روانی کنونی را نیز نداشتند». صحبت‌های انضمامی تر «رحمان»، راجع به جایگاه اقتصادی مرز و تجارت مرزی در تغییرات زندگی خانواده‌های جامعه مریوان، شنیدنی است: «جامعه و خانواده در گذشته در آسایش و آرامش و راحتی بودند و به جز اندکی از مردم و خانواده‌ها، همگی از لحاظ نیازهای معیشتی و خوراک‌شان هم‌سطح بودند و به خاطر نزدیکی و هم‌سطحی افراد، فقر عامل زیاد مهمی برای حزن و ناراحتی مردم نبود. «دوبنه و روغن» بود و تمام! برخی ثروتمندها هم کم و بیش برنج داشتند تا بخورند و فقیرها هم عیدها برنج می‌خوردند. اگر محله‌هایی مثل «بهاران» و «نوبهار» و «موسک ۱ و ۲» در مریوان را نگاه کنی خانه‌هایی با چندین طبقه و ارتفاع و نما و امکانات ساخته شده؛ ولی در محله‌هایی دیگر مثل «چهارباغ» و «دارسیران قدیم» و «کونه دیو» خانه‌ها یک زیرزمین و همکف دارند. این‌ها تأثیرات بدی بر روحیات و زندگی بچه‌ها و زن‌ها گذاشته‌است. امروزه ادعا زیاد شده، توقع‌ها از بزرگ خانه (سرپرست) بالا رفته و زیاد شده است».

برجسته‌شدن جایگاه ثروت و پول در زندگی مردم منطقه و گسترش روحیه پول‌پرستی و سودجویی، زوال معرفتی و دانش علمی را به دنبال داشته و جایگاه سواد و تحصیل را در قیاس با جایگاه ثروت در میان خانواده‌ها تنزل داده است. «شیرکوه» این مسئله را این‌گونه عنوان می‌کرد: «...بخش خاومیرآباد^۱ در شهرستان مریوان که پدیده تجارت مرزی در روستاهای آن به نسبت دیگر بخش‌ها از وسعت و شدت بیشتری برخوردار است، دارای بیشترین افراد ترک تحصیل نموده است. بچه‌ها همه چندرغاز پول پیدا کرده‌اند و در خانواده خود شورش به راه انداخته‌اند، فکر می‌کنند مرز تا ابد برای‌شان باقی می‌ماند...». علاوه بر تنزل جایگاه سواد در منطقه، جایگاه تخصص و مهارت‌های فنی در منطقه نیز به شدت پایین است و عمده‌گرایش جوانان به فعالیت‌های مرزی زودبازده، کاذب

و پردرآمد است. تمکن اقتصادی ثروتمندها با خودش نوعی «فرهنگ تن‌آسایی» را در جامعه ترویج داده و روستا به‌مثابه جایگاه کار و فعالیت طاقت‌فرسا در قیاس با شهر مقام و جایگاهی نازل‌تر یافته است و همین مسئله در رشد بی‌رویه مهاجرت به شهر مؤثر بوده است. به‌دنبال رشد فزاینده مهاجرت‌ها به شهر، پدیده حاشیه‌نشینی نیز بر دیگر مسائل شهرستان افزوده شد. بر این اساس عملاً بافتی حاشیه‌نشین و مسئله‌سازی شکل گرفته بود که هنجار شکنی‌هایی چون برق‌دزدی، آب‌دزدی و غیره در آن شایع است. در بافت حاشیه‌نشین فرهنگ تازه و دورگه روستا شهری ظهور کرده که التقاطی است از رفتارهای روستایی ولی شهری منشانه و انتظاراتی شهری مآبانه. «احمد» در اشاره‌ای کوتاه این موضوع را این‌طور متذکر می‌شود: «اکثر افراد ما هم از روستا آمدند و هیچی که خانه و مسکن شخصی نداریم، تازه فرهنگ شهری هم نداریم و بدبختانه لباس به نام و ظاهر مدرن ماهواره‌ای (چسب و جلف و اجق و جق!) می‌پوشیم و می‌آییم در خیابان وضعیت خود و جامعه‌مان را هم خراب‌تر می‌کنیم».

تفسیر تجارب زیسته مردمان منطقه که نشان از نوعی تبیین انتقادی وضعیت منطقه دارد، بر رشد مخرب و ناموزون بعد اقتصاد در زندگی خانواده‌های منطقه مریوان دلالت دارد که اقتصاد بومی منطقه، سبک زندگی، روابط اجتماعی و مناسبات خانوادگی را مختل نموده است.

گسست پیوندهای خانوادگی

خانواده، تعاملات و ساختار خانواده از اساسی‌ترین مؤلفه‌های شکل‌بندی حیات اجتماعی است اما براساس یافته‌های تحقیق، مردم منطقه مریوان از گسست پیوندها و صمیمیت و ارتباطات میان اعضای خانواده ترس و هراس دارند. آنان معتقدند که در گذشته سلسله‌مراتبی از احترام و اعتبار بین‌فامیلی و حتی بین کوچک‌تر و بزرگ‌ترها ساری و جاری بود. افراد خانواده به همدیگر احترام گذاشته و بسیاری از امور و مشکلات احتمالی در همین ساختار و خیلی ساده رفع و رجوع می‌شد. اما امروزه فایده‌گرایی و مصلحت‌گرایی‌های فردگرایانه و خودمدارانه جدیدی که مقتضای زندگی در این ساختار اجتماعی ثروت‌گرا و پول‌دوست است، باعث شده تا افراد فرصت مرآوده با همدیگر را نداشته باشند و همین کاهش حضور فیزیکی میان افراد، رحم، مروت و احساس مسئولیت انسانی و مذهبی سابق افراد را در قبال دیگر هم‌شهری‌ها و حتی فامیل بسیار نزدیک‌شان کاهش داده و

هر کس بیشتر به فکر ترقی و آسایش مادی زندگی خویش است. «آزاد» این موضوع را این‌گونه بیان می‌کند: «شما الان شهری مثل پاره را در نظر بگیرید مثلاً می‌گن شهر پاره ۸۵ درصد از آنها کارمندان و یا اداری‌اند، یعنی هیچ ربطی به مرز ندارند. خوب برو میان اون‌ها می‌بینی هم زندگی‌شان خوش‌تره هم تفریح و مسافرت و معاشرت‌شان. الان اگر مرز باشد و طرف در مرز کار داشته باشد به خدا قسم فکر نمی‌کنم در ماه یک‌بار هم گذرش به خونه برادرش هم بیفته. اما اگر طرف اداره‌ای باشد حداقل رفت و آمدی، معاشرتی، حرفی، سیرانی (پیک‌نیک) و تفریحی میره...».

از دیدگاه افراد مورد مطالعه، این گسست پیوندها و روابط خانوادگی میان والدین و فرزندان و دیگر خویشاوندان، حاد تلقی و تفسیر گشته است. اما این شدت و وخامت هنوز به درجه‌ای نرسیده است که بتوان از خطر فروپاشی نهاد خانواده در این منطقه سخن گفت. «قادر» با همه دلواپسی‌هایی که در سخنانش راجع به ارتباطات خانواده‌ها در میوان ابراز می‌کرد باز هم امیدوارانه کارکرد برنامه‌های اخلاقی و نقش مذهب در خانواده را این‌گونه اشاره می‌کرد: «بعضی خانواده‌ها با گرایش‌های دینی وجود دارند که بر اساس اصولی خاص و شفاف دین را پذیرفته و در زندگی به کار می‌گیرند و هنوز خانواده‌شان دارای برنامه و اعتبار و احترام است و گرنه خانواده‌ها در کل رو به نابودی است و بچه‌ها خیلی به‌ندرت حرف بزرگ‌ترهایشان را گوش می‌کنند و مطیع‌شان نیستند».

استحاله ارزش‌های وفاداری

خانواده‌ها در هر جامعه‌ای به‌تناسب فرهنگ حاکم بر آن، مجموعه ارزش‌های اخلاقی و تعهدات به‌خصوصی در قبال همدیگر و همچنین در قبال ثبات و صلابت زندگی مشترک و نیز در خصوص پرورش و تربیت فرزندان‌شان دارند. نظر غالب بر این است که در جوامع با صبغه سنتی به‌دلیل غلبه وجدان جمعی دینی این تعهدات و پایبندی‌ها به‌مراتب بیشتر از جوامع مدرن است. با توجه به ضعف‌های اساسی (دینی، تحصیلی، منزلت اجتماعی، موقعیت اقتصادی و غیره) که در معیارها و سلايق اغلب افراد منطقه برای انتخاب همسر وجود دارد و همچنین با توجه به مهیا شدن امکان فرصت‌های جدیدی از مرادوات کلامی و فیزیکی میان افراد با جنسیت‌های مختلف در منطقه، که به تأسی از تکنولوژی‌های ماهواره، اینترنت و تلفن همراه، سپهرهای عمومی از قبیل بازار و خیابان و مسافرت‌های بین‌شهری و حتی برون‌مرزی و آشنایی با فرهنگ‌های متفاوت دیگر حاصل گشته است، هم‌اکنون هراس

گسیختگی و زوال تعهد خانوادگی و مسائل اخلاقی زوجین و خیانت‌های عاطفی و جنسی آنها در قبال همدیگر از جمله اساسی‌ترین معضلات خانواده‌های این شهرستان است. همین هراس از زوال اخلاقیات باعث حساسیت فزاینده طرفین و خانواده‌ها به رفتارهای همدیگر گشته و در صورت اثبات درجاتی هر چند ضعیف از این‌گونه رفتارها، پدیده قتل‌های ناموسی رخ می‌دهد. اگر امکان انجام این قتل‌ها که به‌نوعی برای نشان دادن غیرت از دست‌نرفته مردانه خانواده‌ها و برای اعاده آرامش روانی طرفین صورت می‌گیرد، در سطوح پایین‌تر نباشد، راهکار پرمشکل دیگری به‌نام طلاق در پیش‌روی آن خانواده‌ها است.

داده‌های کمی تحقیق در خصوص طلاق و ازدواج در شهرستان مریوان حاکی از آن است که در سال ۱۳۸۸ به‌ترتیب ۲۶۳۹ مورد ازدواج و ۴۲۱ مورد طلاق و در سال ۱۳۸۹ تعداد ۲۶۶۸ مورد ازدواج و ۳۹۶ مورد طلاق رخ داده است. هرچند که پدیده طلاق در شهرستان مریوان با توجه به‌شدت کنونی آن تنها ناشی از رشد تجارت مرزی و ارتقای معیشتی و فراغ خاطر خانواده‌ها و زوجین نسبت به همدیگر یا در طیف کاملاً مغایر با آن به‌خاطر مشکلات و تنگناهای اقتصادی افراد و یا اینکه ناشی از فساد اخلاقی و خیانت‌های جنسی به همدیگر نیست؛ اما زوال تعهد خانوادگی در میان زوجین که برساختی است از تأثیرات تبلیغات فیلم‌ها و رسانه‌های ماهواره‌ای و همچنین زوال ارزش‌های دینی و تعهدات و بردباری‌های فرهنگی نهادینه‌شده، از جمله اساسی‌ترین موارد تأثیرگذار بر ازدیاد مقوله طلاق در میان خانواده‌های جامعه مریوان است که به‌دنبال خودش مسائل ازدواج مجدد و یا ازدواج‌های مکرر زوجین و همچنین آسیب اجتماعی بچه‌های طلاق را در پی دارد. این بحران ارزشی، جایگاه عرفی و دینی نهاد خانواده و قبح اجتماعی مقوله طلاق را در میان خانواده‌های این منطقه بسیار نازل نموده است و به ازدیاد بیش از پیش آن دامن زده است. «فرید» که خودش یکی از مهاجرین روستاهای نوار مرزی به شهر است و به مغازه‌داری در یکی از بازارهای شلوغ شهر مریوان مشغول است، زمانی که فرصتی برای گپ زدن با او در این‌باره فراهم شد در اثنای حرف‌هایش و وقتی یک جوان پسر یا دختر با قیافه‌هایی آرایش کرده و لباس‌هایی غیرمحلّی و تنگ و چسبیده یا مانتوهای کوتاه و روسری‌های ۱۵-۱۰ سانتی‌متری و از این قبیل، از جلو مغازه‌اش رد می‌شدند، با لحنی نوستالژیک و آکنده از هراس تباهی ارزش و اخلاقیات خانواده سرش را تکان داده و اشاره می‌کرد که: «خوب اینها مگر اخلاق و حیا سرشان می‌شود؟ مگر اینها حرف بزرگ‌تر و شرم از پدر و مادر و اطرافیان را می‌فهمند؟ همین‌ها روزانه هزارتا آرایش می‌کنند، در خیابان تیپ می‌زنند و

تن‌نمایی می‌کنند، هر مدی را که ماهواره شب تبلیغ کنه، فرداش از مرز وارد شده و تو خیابان و بازار اجرا می‌کنند، خوب انتظار هم داری که وقتی ازدواج کردند، بدانند بچه‌داری و شوهرداری و خانه‌داری و میهمان‌داری یعنی چه؟ طبیعی است که نمی‌دانند و بعد از چند وقت از همسران‌شان سیر میشن و طلاق و حالا بیا و درستش کن...!».

میزان اعتماد و رابطه زن و شوهر از جمله عوامل اصلی بقا و ثبات خانواده‌ها به‌شمار می‌رود. داده‌ها حاکی از این است که تجارت مرزی حتی به این حوزه و نقطه اساسی از زندگی خصوصی افراد نفوذ نموده و صمیمیت همسران تنزل یافته است. تجارت مرزی علاوه بر اینکه محل حضور مرد به‌عنوان همسر و سرپرست خانوار و ایفای نقش تربیتی و نظارتی در خانه بوده است، به کمرنگ شدن جایگاه و هیبت مرد در نزد خانواده به‌ویژه زنان و فرزندان انجامیده است. این گسست قدرت کنترلی و عاطفی برای مردان را «آکو» بدین‌شیوه ملموس می‌نماید: «زمانی بود یک نفر کولبر هر شب حدود ۱۵۰ هزار تومان پول از کار در مرز به‌دست می‌آورد. خانواده‌های کولبرها کم‌کم به این پول عادت کردند و این پول‌های زیاد را که تا قبل از به‌وجود آمدن این مرز در اختیارشان نبوده، می‌آوردند و به میل و اختیار خودشان حیف و میل می‌کردند. ولی الان آن مرز و درآمدهای قاچاق‌فروشی کمتر شده اما باز هم خانواده‌ها همچنان به به‌دست آوردن آن پول هنگفت تمایل و اصرار دارند، خوب باید زن و بچه‌ها این خلأ مالی را به‌نوعی جبران کنند و مثل سابق ریخت و پاش و تظاهر و تصنع کنند. پس به کارهایی ناشایست دست می‌زنند و از (هر راهی) (با تأکید!)، متوجه میشی چی می‌گم؟، از هر راهی سعی می‌کنند تا آن پول را به‌دست آورند و مثل سابق مصرف کنند. خوب این است که مرز باعث انحطاط و نابودی جامعه ما شده.».

زوال آمریت نهادین و نمادین والدین

اقتدار یا قدرت مشروع اعمال نظر بر اطرافیان، در گذشته نه‌چندان دور، ماهیت کارکردی داشت و در راستای حفاظت از ابعاد مختلف خانواده عمل می‌کرد و سرپرست خانواده مسئول تمام دارایی و اعتبارات و حتی آبروی افراد خانواده نیز به‌شمار می‌آمد. امروزه امواج برون‌زای نوسازی حاصل از گسترش تجارت مرزی در شهرستان مریوان از طریق ارتقای معیشتی خانوارها باعث شده است تا این ساختار قدرت دگرگون شود. اشتغال کاذب و زودبازده و وجود فرصت‌های ناچیز ولی مداوم کاری و درآمدی، نوعی استقلال

مالی را در دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستانی گسترش داده است. امروزه پول به فرزندان خانواده‌ها قدرتی گسترده و طغیان‌گر داده است که از بسیاری جنبه‌ها به افزایش قدرت و آزادی آنها منجر شده است. «هیرو» در یکی از مصاحبه‌ها این‌گونه توضیح داد: «امروزه بچه‌های منطقه به‌لحاظ تربیتی وقتی با دیگر شهرها قیاس شوند باز هم خوب‌اند. اما در قیاس با سال‌های قبل و بچه‌های قدیم، امروزه خیلی تغییر کرده‌اند. چیزهای زیادی امروزه در جامعه هست و هر بچه‌ای که الان در نظر بگیری یک گوشی موبایل در جیبش است و یا دوچرخه دارد و یا موتورسوار است و بچه مایه دارها هم ماشین دارند. اما در کل بچه‌های امروزی وضع‌شان به‌نسبت گذشته بهتر است. ولی بچه‌های قدیم با اخلاق‌تر بودند تا امروزی‌ها. آنچه هم که باعث اینها شده این است که امروز بچه‌ها خودشان مختارند و به مرز و شهر می‌روند و پول در جیب دارند و خرید می‌کنند و از کامپیوتر و موبایل و غیره استفاده می‌کنند؛ ولی بچه‌های قدیم تا ۲۰-۱۵ سالگی‌شان هم به شهر (مریوان) نمی‌رفتند و پول در اختیار نداشتند».

«زهرآ» نیز برای ملموس کردن وضعیت دختران در این شرایط ویژه نظام خانواده در مریوان این‌گونه اظهار نظر نمود: «زنان امروز به فکر این‌اند که کی آرایش کنند و لباس تازه بخرند و بدلیجات بخرند و دیگر حواس‌شان به خانه و مدیریت خانه‌شان نیست. دخترها مانتوی کوتاه می‌خرند، لباس ناشایست و تنگ می‌پوشند، تزئینات و آرایشی‌جات و گوشی و شارژ اعتباری برای موبایل واسه الو الو کردن‌هایشان می‌خرند. خوب در قدیم این‌جور چیزها نبود. دخترهای امروزی هر چه مادران‌شان بگویند یک کاری انجام بدهند کمتر به حرف‌شان گوش نمی‌دهند، ولی دختران قدیم این‌طور نبودند. امروزه چیزهای زیادی درست شده‌اند. ماهواره هست، مردم به شهر می‌روند، خودشان در بازارها فروشندگی می‌کنند، پول در اختیار دارند ولی غیرعاقلاانه مصرفش می‌کنند و والدین بیشتر هوای‌شان را دارند تا کمبود (مادی) نداشته باشند اما باز هم دخترهای امروزی خیلی چیزهای گذشته را رعایت نمی‌کنند».

تجارت مرزی از طریق استقلال مالی زودرس فرزندان، ازدواج زودرس را نیز در پی داشته است. به‌خاطر ضعف بنیان‌های معرفتی و عقلی در خصوص ملزومات اساسی برای زندگی مشترک و تشکیل خانواده، چرخه ویرانگر ازدواج زودرس، فرزندآوری سریع و زیاد، کاهش کیفیت سواد، بهداشت و اخلاق خانواده‌ها و طلاق تداوم یافته است. «احمد» این مجموعه موارد را به مرز ربط داده و دلمشغولی‌های اقتصادی افراد را بسترساز شرایطی

نازل به لحاظ سواد و اخلاق و تربیت اجتماعی برای خانواده‌ها ذکر می‌کند: «زمانی که مردم می‌رفتند یک بار مشروب یا نفت و گاز را قاچاق می‌کردند و پول زیادی در یک شبانه روز عایدشان می‌شد، خوب پولشان را ریخت و پاش و حیف و میل می‌کردند. خیلی‌ها هم پول داشتند ماشین‌های آنچنانی می‌خریدند در حالی که فرهنگ رانندگی نداشتند. موتور سیکلت می‌خریدند و در خیابان ویراژ می‌دادند و مزاحمت ایجاد می‌کردند یا با زن و بچه مردم تصادف می‌کردند؛ خوب این یعنی نداشتن تربیت و سواد. این یعنی رعایت نکردن اخلاق اجتماعی و بسیاری چیزهای دیگر. خوب اینها همه به مرز بر می‌گردد و ۸۰ درصد اصلی این تغییرات در خانواده و رفتارهای افراد به‌خاطر همین مرز است و ۲۰ درصد باقیمانده‌اش هم به‌خاطر عصر جدید و تکنولوژی و مسافرت مردم و ورود توریسم به شهر است و چیزهای جدیدی یاد گرفته‌ایم که با جامعه ۳۰ سال قبل سنتی خودمان فرق دارد».

استقلال مالی فرزندان و احساس بی‌نیازی نسبت به والدین، قدرتی به فرزندان بخشیده است که در بسیاری زمینه‌ها به زوال آمریت نهادین و نمادین والدین انجامیده است. تکرر مراکز و مراجع اقتدار در خانواده باعث می‌گردد تا ضعف تربیتی فرزندان بیش از پیش به بحران‌های نهاد خانواده و زوال آن دامن زند. حرف‌های «آرزو» نیز به‌گونه‌ای اساسی مکمل گفته‌های فوق در خصوص وضعیت مسئله‌دار و تغییرات محسوس در حوزه خانواده و اقتدار خانواده است: «همه مردم و خانواده‌ها در گذشته حریم و حرمتی داشتند ولی الان اصلاً فقط نامی از آن مانده است دخترهای قدیم مثل الان لبشان را قرمز نمی‌کردند. امروزه برداشتن ابرو و گذاشتن ابروی مصنوعی نزد همه زنان چیزی طبیعی است و کسی هم چیزی بهش نمی‌گوید، نه پدر، نه شوهر، نه برادر! تازه مجبورند بگویند مد است! و طبیعی است! و اینها را هم زنان از خانواده‌های آشنا و فامیل شهرستانی یا کرد عراقی و ماهواره می‌گیرند و تقلید می‌کنند».

لغزش بنیان‌های خانواده

از منظر افراد مورد مصاحبه، تجارت مرزی از یک طرف به ارتقای معیشتی مردم و استقلال مالی آنها و نیز تسریع ورود تکنولوژی‌های متفاوت منجر شده است، اما از سوی دیگر شیوع ارزش‌ها و اخلاقیاتی متظاهرانه و نوعی روزمره‌گی خاص را در میان افراد تسریع نموده است. ارزش‌ها و آرمان‌های ملی، دینی، فرهنگی و غیره همگی دچار تحولاتی عمیق شده‌اند. سادگی‌های کارکردگرایانه و تواضع‌های پیشین جایش را به پیچیدگی‌های سطحی

و گذرا داده‌اند. آرایش و تظاهرات متفاوت از معماری و وسایل خانه گرفته تا رنگ و مدل ماشین و حتی پوشاک شخصی و آرایش بدن از دغدغه‌های انکارناپذیر مردم گشته است. «عبدالله» در خصوص مظاهر عینی تغییرات خانواده در میوان چنین می‌گوید: «الان همه خانواده‌های سنتی و جدید همگی به‌نوعی تحت تأثیر مرز هستند و مناسبات مرز، خانواده‌ها را به نسبت‌های متفاوتی آلوده لباس و مد و آرایش‌های اجق و جق و مشروب خوردن و غیره کرده است. لباس‌های خارجی مد شده‌اند، لباس کردی هم به‌ندرت در خیابان ملاحظه می‌شود، ... جامعه ما طوری شده که هر مد پوشاک و آرایش که در ماهواره تبلیغ می‌شود، فردایش در خیابان ترویج و اجرا می‌شود و مردم به چیزهای اساسی زندگی زیاد توجه ندارند و ظاهرگرا شده‌اند. همین مردم که بر اساس ظاهر و مد دست به انتخاب لباس و خانه و حتی همسر زندگی می‌زنند، اگر فردا چیزهای تازه‌تری در دسترس‌شان باشد به آن سمت می‌چرخند ولی زندگی خانوادگی چیزی والاتر از این سطحی‌نگری‌ها است و باید مقید بود و متعهد...».

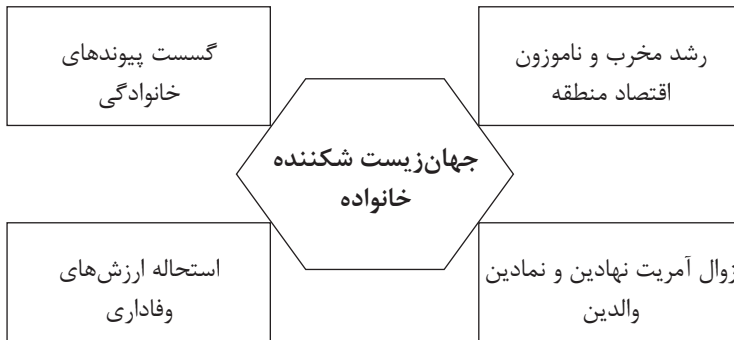
هم‌زمان با این بی‌ریزگی انتخاب‌ها و ارزش‌ها، پدیده مدگرایی مفرط نیز در میان قشر نوجوان و جوان منطقه رخ داده است. ارتقای معیشتی و امکان شورش استقلال‌طلبانه فرزندان از والدین، تسریع ارتباطات و ازدیاد شکاف نسلی میان فرزندان و والدین، افت تحصیلی و پایین بودن دانش نظری لازم برای زندگی مشترک، زوال ارزش‌های دینی و فرهنگی در خصوص خانواده و رفتارهای اجتماعی و بسیاری دیگر از این قبیل موارد باعث شده‌است تا جوانان سطحی‌نگر و ظاهرپرست و مدگرا باشند و همین ویژگی بر انتخاب همسر، مراسم‌ها، تعداد و تربیت فرزندان، شیوه مصرف فرهنگی و آرایش بدن آنان تأثیراتی گذاشته است که از دید افراد منطقه به‌مثابه پرتگاه و شرایطی نابهنجار برای آینده خانواده‌ها قلمداد می‌گردد. پیامدهای این موارد، مسائلی چون ازدواج‌های غیرمنطقی و عاشقانه با معیارهای احساسی ناپایدار، طلاق، ازدواج مجدد، بچه‌های طلاق، خیانت جنسی، فساد اخلاقی، بی‌اعتمادی خانواده‌ها و بسیاری دیگر از این قبیل موارد خواهد بود. «شیرکوه» این مجموعه موارد را به اجمال این‌گونه عنوان می‌کند: «... از یک طرف به‌خاطر تجارت مرزی و تزریق پول به جیب فرزندان و اهالی روستاها و از سوی دیگر به‌خاطر پایین بودن میزان تحصیلات و سواد افراد، فرزندان با والدین برخورد دارند و همین فرزندان فاقد صلاحیت و حتی در زیر سن قانونی اقدام به ازدواج زودرس با ملاک‌های احساسی و زودگذر می‌کنند، اینها در حالی که فاقد شعور اجتماعی لازم

برای زندگی مشترک هستند خیلی زود با طلاق مواجه می‌شوند، الان در همین مریوان طرف با ۱۷ سال سن زن گرفته، بچه‌دار شده و کارشان به طلاق کشیده و هم‌اکنون یک بچه طلاق دارد و این یعنی یک دنیا مسئله اجتماعی جدید که در آینده بروز خواهد کرد. اینها ناشی از چیست؟ خوب معلومه! افراد سواد ندارند، طوری تربیت نشده‌اند که مسئولیت خانواده را برعهده بگیرند، آشنایی‌هایشان در خیابان و بدون رضایت والدین بوده، ملاک‌هایی ظاهری و بی‌ثبات برای ازدواج داشته‌اند و نهایتاً هم ازدواج‌هایشان احساسی و با مخالفت والدین دو طرف بوده است. عاقبتش هم از این بهتر نمی‌شه!».

این‌گونه ملاک‌های احساسی، ظاهری و سطحی در تمام جنبه‌های زندگی، از اساسی‌ترین دغدغه‌ها در نزد افراد میانسال به بالای جامعه مریوان برای آینده وضعیت خانواده در این منطقه است. تشکیل خانواده‌ها براساس معیارهایی احساسی و ظاهری به بنیان خانواده لرزش‌هایی اساسی وارد می‌کند و به زوال این ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین واحدهای اجتماع می‌انجامد.

جدول ۱: جدول مفاهیم و مقولات تغییرات نظام خانواده در شهرستان مریوان

ردیف	مفاهیم	مقوله عمده	مقوله هسته
۱	شغل کاذب، بازارها و پاساژها، امکانات تفریحی خصوصی و نابرابر، روحیه پول‌جویی سیری‌ناپذیر، آپارتمان و ساختمان‌های چندطبقه و مجلل در کنار خانه‌های فقیرانه بسیار، ماشین‌های مدل بالا، رشد قیمت زمین و خانه، طبقات مرفه و فقیر، شکاف شهر و روستا، فرهنگ تن‌آسایی، حاشیه‌نشینی بی‌رویه	رشد مخرب و ناموزون اقتصاد منطقه	جهان‌زیست شکننده
۲	کاهش صمیمیت، کاهش رابطه فیزیکی خانواده‌ها، کاهش احترام بزرگ‌ترها، کاهش اندازه خانواده‌ها، روابط ابزاری، مصلحت‌گرایی‌های خودخواهانه	گسست پیوندهای خانوادگی	
۳	تضعیف ارزش‌های دینی حامی ازدواج و خانواده، زوال اخلاقیات و شرم و حیا، شکست قبح اجتماعی طلاق، غلبه ارزش‌های مادی بر اعتماد افراد، رواج فیلم و اندیشه‌های بنیان‌افکن در خصوص خانواده، کاهش تعهد خانوادگی، فساد اخلاقی، خیانت جنسی، قتل‌های ناموسی، ازدواج‌های مکرر	استحاله ارزش‌های وفاداری	
۴	بهبود قدرت اقتصادی زنان، ارتقای قدرت اقتصادی فرزندان، مشغله زمانی و اقتصادی سرپرستان خانواده، اختلال و ضعف بنیان تربیتی، سست شدن هنجارهای مذهبی خانواده	زوال آمریت نهادین و نمادین والدین	
۵	مدگرایی مفرط، ظاهرپرستی جوانان، ملاک‌های ظاهری انتخاب همسر، ازدواج زودرس، احساسی بودن آشنایی‌های افراد، بی‌برنامگی و بی‌هدفی در انتخاب و ادامه مسیر زندگی	لغزش بنیان‌های خانواده	



مدل ۱: مدل زمینه‌ای تأثیر تجارت مرزی بر ساختار خانواده به‌مثابه جهان‌زیست شکننده

بحث و نتیجه‌گیری

۸۰

تجارت مرزی در شیوه‌های رسمی و غیررسمی آن در ارتقای وضعیت معیشتی و رفاه اقتصادی مردم منطقه مفید واقع شده است اما همین مقوله به شیوه‌های مختلفی زندگی مردم منطقه را دگرگون و متحول نموده و بر اساس درک و تفسیر مردم پیامدهای ناخواسته و منفی این پدیده برای نهاد خانواده به‌مراتب بیشتر از جنبه‌های مثبت آن بوده است. براساس داده‌های تحقیق، بحران در پیوندها، ارزش‌ها، اقتدار و معیارها و سلاقی اعضای خانواده، فضایی از حالت‌های روحی روانی و مجموعه‌ای از رفتارهای عمومی را در جامعه بر ساختار نموده است که به‌عنوان مقوله هسته تحقیق حاضر، مدنظر واقع شده است. این سپهر روانی، رفتاری تنیده از حالت‌های هراس‌آلود و مضطرب‌کننده‌ای است که مصاحبه‌شوندگان در قبال آینده مبهم و بلاتکلیف برخی از ابعاد مختلف نهاد خانواده احساس می‌کنند. گرچه مصاحبه‌شوندگان به زبان عامیانه این هراس را شاید در قالب یک لطیفه یا در یک نگاه حیران و یا در جملاتی قصار و غیرتئوریک بیان کنند، اما تفسیر تجارب زیسته مصاحبه‌شوندگان مبنی بر این است که نهاد خانواده در نزد اقشار مختلف جامعه، به تأثر از پدیده تجارت مرزی در حال تحمل و تجربه انواع و شیوه‌های مختلفی از تغییر و دگرگونی‌هایی است که به‌طور غیربرنامه‌ریزی‌شده و هدفمندی در حال وقوع‌اند. درحالی‌که ارزش‌های سنتی همدلانه و قناعت‌مآبانه تاروپود زندگی تمام خانواده‌های منطقه را شکل می‌داد، هم‌اکنون جایش را به وضعیتی مسئله‌دار و پیچیده با ارزش‌های خودمدارانه، فردیت‌گرایانه و منفعت‌جویانه داده است که در این وضعیت

جدید ارزش‌های فرهنگی و دینی گذشته به تدریج سست گردیده، تعهدات و وفاداری‌های اخلاقی و بینشی متزلزل و سلابق متنوع و خواسته‌ها جاه‌طلبانه و سیری‌ناپذیر شده است. از دیرباز نظام معنایی و آمیخته به باورها و ارزش‌های دینی مردمان منطقه خانواده را قداستی خاص بخشیده و بر صلابت و تعهد اخلاقی، پایداری بر پیمان‌های زناشویی، تربیت در چارچوب سنن دینی، اجرای مناسک و رعایت ارزش‌های ملی و مذهبی، ارجحیت آرامش درونی بر آسایش مادی زندگی، کم‌ارزش شمردن مادیات زندگی و توصیه به کمک به هممنوعان، رعایت انصاف و عدالت در مراودات مختلف، توصیه به ایثار و گذشت و تقدم دیگران بر خود، تجربه‌های جمعی، قیومیت فرزندان و همسران توسط مردان مقید و مؤمن و رعایت شئون اسلامی و ملی در همه جا، احترام به ارزش‌ها و آموزه‌های دینی و فرهنگی، عدم روزمرگی و... تأکید داشته است.

۸۱

نظام معنایی برآمده از امواج برون‌زای نوسازی حاصل از تجارت مرزی در منطقه حاکی از ورود ارزش‌هایی ویژه است که از جنبه‌های متفاوتی با گفتمان و دنیای بومی و ملی در تقابل قرار دارد. در وضعیت کنونی منطقه مرزی میوان، گفتمان جدید تمامی اعضای جامعه، به‌ویژه فرزندان و زنان را به تعریف جدیدی از هویت، کار و مشارکت اجتماعی با محوریت اقتصاد فراخوانده است، فردیت افراد از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های ارتباطی مختلف مدام گوش‌سزد می‌شود، کسب لذت و تجربه‌های زیسته مداوم و فردی افراد بر تجربه‌های جمعی برتری یافته است، در نتیجه در این شرایط جدید، تجربه‌های زیسته‌ای که قابلیت تبادل و نقد را ندارند انباشته شده است، تبادل و فهم کاهش یافته، شکاف‌های عاطفی و نسلی در خانواده‌ها بیشتر ملموس شده است، میل به ایفای نقش مادری و همسری کم و روابط خانوادگی و ساختارهای خانواده دستخوش تغییر گردیده است و ابهامات و تناقضات مدرنیته و آمیختگی زیبایی و زوال، فرهنگ و فساد در این زندگی جدید و در تجارب زیسته افراد مشهود است.

یافته‌های حاضر همسو با مطالعه پیمایشی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در مناطق مرزی است. در منطقه مرزی بانه، به‌دلیل تجارت مرزی و رشد اقتصاد غیررسمی، تغییرات شدید در وضع اقتصادی منطقه، افزایش نامتعارف حجم سرمایه اقتصادی در میان بخشی از مردمان این منطقه، تعادل اقتصادی و اجتماعی به‌هم خورده و به‌تبع آن از جاکنندگی فرهنگی پدیدارگشته است. شرایط مذکور، تقابل و مواجهه نشانگان سنتی و مدرن را در این منطقه مرزی شدت بخشیده است. از این‌رو در میدان مورد مطالعه،

ارزش‌هایی در حال عرض اندام هستند که مروج لذت‌طلبی، مصلحت‌گرایی فردی، سودگرایی و ابزارگرایی می‌باشد. چنین شرایطی باعث استحاله روابط انسانی و شکنندگی و آسیب‌پذیری کنش‌های ارتباطی در بین اعضای جامعه به‌ویژه زوج‌های جوان شده است. بی‌دلیل نیست که در پی ضعف آمریت ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ بومی و سنتی منطقه، طلاق قبیح اجتماعی خود را از دست داده است (قادرزاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

به‌زعم دورکیم هر قدر وجدان جمعی قوی باشد، حساسیت عمومی در مقابل تخطی از بنیان‌های ارزشی و هنجاری حادث‌تر است. با تضعیف وجدان جمعی، ارزش‌های منفی منتسب به طلاق کاهش یافته است. به‌عبارت دیگر، جامعه‌ای که طلاق را پدیده‌ای عادی و طبیعی می‌داند، رواج آن را نیز موجب خواهد شد (کاملی، ۱۳۸۶: ۱۸۵). انسان‌های این جامعه از نظام‌های متفاوت اقتصاد سخت و سنتی مبتنی بر کشاورزی و دامداری، خانواده گسترده و پرجمعیت روستایی، فضای منسجم و کوچک روستا، مناسبات چهره‌به‌چهره و فشرده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گذشته به‌سوی اقتصاد مبتنی بر تجارت مرزی و شغل‌های کاذب و به‌نسبت راحت‌تر، خانواده هسته‌ای با محوریت فرزند در شهر با مناسبات نیمه سایبرنتیک و فردی‌شده گرویدند که به‌سبب ضعف بنیان‌های معرفتی، دشواری‌های عیده‌ای را در پی داشته است. بر اساس مقوله هسته در مطالعه حاضر می‌توان گفت که درک و تفسیر افراد در جامعه مریوان در خصوص تغییرات نهاد خانواده در این شهرستان به تأسی از پدیده تجارت مرزی حاکی از این است که همه به‌نوعی بر اهمیت اقتصادی و ترفیع رفاه مادی و آسایش افراد و خانواده‌ها در نتیجه پدیده تجارت مرزی اذعان دارند اما همه در خصوص آینده نهاد خانواده در این شهرستان نوعی هراس همه‌جانبه را احساس می‌نمایند که معتقدند به‌سبب ترقی وضعیت اقتصادی خانواده‌ها حاصل شده است. این ترقی به دگرگونی‌های گسترده و متعارضی در نگرش‌ها، ارزش‌ها و معیارهای زندگی افراد خانواده‌ها انجامیده است که با بافت فرهنگی و بسترهای پیشینی زندگی در این منطقه ناهمخوانی دارد.

منابع

۱. احمدی، خسرو. (۱۳۸۱). بررسی تأثیر بازارچه‌های مرزی در اقتصاد استان بوشهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی. دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
۲. اسماعیل‌زاده، خالد. (۱۳۸۶). بررسی جامعه‌شناختی اقتصادی بازارچه‌های مشترک مرزی: مطالعه موردی: بازارچه‌های مرزی سردشت و پیرانشهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۳. ایمان، محمدتقی. (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. بشیری، حسین. (۱۳۷۷). بررسی جغرافیایی روستاهای مرزی استان اردبیل به‌منظور توسعه اقتصادی - اجتماعی با تأکید بر مسائل سیاسی. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
۵. پیربوداکی، یوسف. (۱۳۷۹). بررسی عملکرد بازارچه‌های مرزی سرو و نقش آن در رشد و توسعه اقتصاد منطقه‌ای. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۶. رحیمی، حسن. (۱۳۸۱). بازتاب فضایی تحول کارکرد مرز. پایان‌نامه ارشد جغرافیای سیاسی. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
۷. سایت استانداری استان کردستان. (تاریخ به‌روز رسانی ۱۳۹۲/۴/۲۲). <http://www.ostan-kd.ir>.
۸. عبدی، عرفان. (۱۳۸۷). ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی، مطالعه موردی: بازارچه شیخ‌صالح شهرستان ثلاث باباجانی استان کرمانشاه. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال ۴، شماره ۲.
۹. فخرفاطمی، علی. (۱۳۸۳). نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه فضایی مناطق مرزی پژوهش موردی: بازارچه مرزی باج‌گیران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. قادرزاده، امید؛ هیرش قادرزاده و حسین حسن‌پناه. (۱۳۹۱). عوامل پیش‌بینی‌کننده گرایش زوجین به طلاق در مناطق مرزی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده. ویژه‌نامه خانواده و طلاق. سال اول. شماره ۴.
۱۱. کاملی، محمدجواد. (۱۳۸۶). بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق. فصلنامه دانش انتظامی. سال ۹، شماره ۳.
۱۲. محمدپور، احمد؛ مهدی رضایی؛ لطیف پرتوی و رسول صادقی. (۱۳۸۸). بازسازی معنایی تغییرات خانواده به‌شیوه نظریه زمینه‌ای: مطالعه موردی ایلات منگور و گورک. فصلنامه خانواده‌پژوهی. سال پنجم. شماره ۱۹.
۱۳. محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). ضد روش ۱. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۴. مزاری، سارا. (۱۳۹۰). سیر تحول خانواده. (تاریخ به‌روز رسانی: ۱۳۹۲/۵/۱). سایت مؤسسه فرهنگی بشارت. <http://www.bsharat.com>.

۱۵. نورمحمدی، خسرو. (۱۳۷۱). *بررسی طرح ایجاد مناطق ویژه تجارت مرزی*. تهران دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۶. رازینی، ابراهیم و علیرضا باستانی. (۱۳۸۱). *بررسی نقش و عملکرد بازارچه‌های مرزی در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱*. تهران: دفتر مطالعات اقتصادی معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی.

17. Creswell, John W. (1998). *Qualitative Inquiry and Research Design : Choosing Among Five Traditions*. Sage Publications, Inc.
18. Lesthaeghe, r & J. Surkyn. (2002). *New Forms of Household formation in Central and Eastern Europe: Are They Related to newly Emerging Value Orientations?* Interuniversity in Demography. Working Papers. 2002.
19. McDonald, p. (2006). Low Fertility and State Policy. *Population and Development Review*. 5 (2): 123-138.
20. Marvasti, Amir. (2004). *A Qualitative Research in Sociology: an Introduction*. London: Sage Publication.